

Journal of
Comparative Law Review
(JCL)

DOI: 10.22059/JCL.2022.340687.634333

Consolidation of Arbitral Proceedings: A Comparative Study under National and International Arbitration Law

Ebrahim Shoarian¹  | Paria Ram²

1. Corresponding Author, Professor, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: e_shoarian@tabrizu.ac.ir
2. M. A. in Private Law, Faculty of Law and Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: pariyaram1998@gmail.com

Article Info

Paper Research:
Research Article

Received:
2022/03/26
Accepted:
2022/05/19

Keywords:
Parallel Arbitrations,
Consent,
Consolidation,
Requirements,
Obstacles, Governing
Law, Competent
Authority.

Abstract

Arbitration has become more complex following the spread of this method of resolving commercial and investment disputes, especially with the growth of multi-party disputes, leading to several problems, including parallel and different proceedings. Some legal systems have recognized the consolidation of arbitral proceedings to avoid the issuance of conflicting awards and thus protect the rights of multiple but relevant parties to the arbitration on the one hand, and to increase the efficiency of arbitration by reducing costs and duration of proceeding on the other hand. The consolidation, as the case may be, is contingent on satisfaction of requirements including the consent of the parties, the equality of the arbitration agreement, the uniformity of the parties and the basic legal relationship, the legal authority to issue a judicial order to consolidate, and also its desirability. Nevertheless, disadvantages of the consolidation of arbitration proceedings into the constitution of a new arbitral tribunal, namely prolongation of the proceedings and violation of confidentiality and the principle of party autonomy, have also been considered. This article, while analyzing the above issues, examines other aspects of the consolidation, such as its kinds and position in arbitration laws and regulations, obstacles to the consolidation, the governing law, and the competent authority for consolidation. Considering the lack of a specific provision under Iranian arbitration law, the consolidation of arbitrations can be sufficiently justified by the rule of wisdom and through relying upon the criterion of the combination of related court proceedings.

How To Cite

Shoarian, Ebrahim; Ram, Paria (2022). Consolidation of Arbitral Proceedings: A Comparative Study under National and International Arbitration Law. *Comparative Law Review*, 13 (2), 603-632.

Publisher

University of Tehran Press.



مطالعات حقوق تطبیقی

سال ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶

پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۶۰۳-۶۳۲

DOI: 10.22059/JCL.2022.340687.634333

ادغام جریان‌های داوری:

مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق داوری داخلی و بین‌المللی

ابراهیم شعاریان^۱ | پریا رام^۲

۱. نویسنده مسئول، استاد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: e_shoarian@tabrizu.ac.ir

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: pariyaram1998@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	پیش‌پسینه‌تر شدن داورها در پی گسترش این شیوه حل اختلافات تجاری و سرمایه‌گذاری، به‌ویژه با رشد اختلافات چندجانبه، مشکلات متعددی از جمله ظهور رسیدگی‌های موازی و متعدد را به دنبال داشته است. برخی از نظام‌های حقوق داوری برای مقابله با صدور آرای متناقض و در نتیجه صیانت از حقوق طرفین داورها، اما مرتبط از یک سو، و افزایش کارآمدی داورها از طریق کاهش هزینه‌ها و زمان رسیدگی از سوی دیگر، نهاد ادغام جریان‌های داوری را شناسایی نموده‌اند. تحقق ادغام، حسب مورد، منوط به حصول شرایطی مانند رضای طرفین، وحدت موافقت‌نامه داوری، وحدت طرفین و رابطه حقوقی پایه، اختیار قانونی صدور دستور قضایی برای ادغام و احراز مطلوبیت آن است. با این حال، کاستی‌های ادغام جریان‌های داوری در تشکیل مرجع داوری جدید، مانند تطویل روند رسیدگی و نقض محرمانگی و حاکمیت اراده نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این نوشتار، ضمن تحلیل موضوعات پیش‌گفته، ابعاد دیگر نهاد ادغام نظیر انواع و جایگاه آن در قوانین و قواعد داوری، موانع ادغام، قانون حاکم و مرجع صالح برای ادغام بررسی شده است. با وجود فقدان مقرره‌ای صریح در قوانین داوری ایران، به حکم منطق و با أخذ ملاک یکسان از تلفیق دعاوی مرتبط در جریان رسیدگی محاکم، ادغام داورها از توجیه کافی برخوردار است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۸	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۵	
کلیدواژه‌ها: ادغام، داورهای موازی، رضایت، شرایط، قانون حاکم، مرجع صالح، موانع.	
استناد	شعاریان، ابراهیم؛ رام، پریا (۱۴۰۱). ادغام جریان‌های داوری: مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق داوری داخلی و بین‌المللی. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۳ (۲)، ۶۰۳-۶۳۲
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



مقدمه

داوری به‌عنوان یکی از رایج‌ترین شیوه‌های حل و فصل اختلاف بر اساس اراده طرفین و با انعقاد موافقت‌نامه داورى به صورت شرط داورى مندرج در قرارداد اصلی یا به شکل موافقت‌نامه داورى مستقل ظهور پیدا می‌کند و به رأی الزام‌آور منتج می‌شود.

روابط پیچیده تجاری بر مشکلات داورى افزوده است. معاملات تجاری بین‌المللی اغلب ماهیتی چندجانبه دارند و احتمال بروز اختلافات متعدد وجود دارد. نه تنها در وضعیت تعدد طرفین قرارداد یا تعدد قراردادهای مرتبط (مانند قراردادهای پیمانکاری اصلی و فرعی) ممکن است اختلافات گوناگون به داورى ارجاع شود و به تشکیل دیوان‌های داورى متعدد منتهی شود، بلکه در مورد قرارداد واحد بدون تعدد طرفین نیز ممکن است هریک از طرفین دعوی خود را در دیوان داورى مستقل و مجزا تعقیب نمایند که در این صورت رأی صادره از سوی هریک از آنها بر آرای دیگر دیوان‌های داورى تأثیرگذار خواهد بود. از این رو، احتمال تعارض آرای داورى در فروض یادشده، ضرورت طرح موضوع ادغام جریان‌ها و دیوان‌های داورى متعدد و در عین حال، مرتبط را مطرح می‌سازد و تدارک رسیدگی واحد اهمیت قابل توجهی پیدا می‌کند.

در بیشتر اختلافات مدرن، مانند دعاوی بیمه، پروژه‌های بزرگ ساختمانی، شرکت‌ها و صنعت انرژی، اغلب بیش از دو طرف درگیر و مشمول اختلافات چندجانبه‌اند (Menkel-Meadow et al., 2018: 475; Rowley QC et al., 2020: 217). از این رو، مصادیق قابل توجهی از داورى‌های بین‌المللی ناظر بر اختلافات چندجانبه هستند. برای نمونه، در مرکز داورى اتاق بازرگانی بین‌المللی^۱، بیش از یک سوم داورى‌ها شامل چند طرف است (Born, 2020: 2759) و تخمین زده می‌شود که ۴۰ درصد از پرونده‌های داورى در سراسر جهان، شامل بیش از دو طرف باشند. بنابراین، سازوکارهای حل و فصل اختلافات، راه‌حلی نظیر ادغام داورى‌ها را پیشنهاد داده، از آن به‌عنوان راهکاری مطلوب یاد می‌کنند (Gorden, 2018: 174). البته موضوع ادغام جریان‌های داورى تنها شامل قراردادهای چندجانبه نیست، بلکه در قراردادهای دوجانبه نیز این احتمال وجود دارد که طرفین قرارداد، دعاوی خود را با تشکیل دیوان‌های داورى متعدد به صورت موازی مطرح نمایند؛ مانند آنکه یکی از طرفین قرارداد دعاوی فسخ در دیوان داورى مطرح نماید و طرف مقابل در اقدام به طرح دعاوی الزام به ایفای تعهد به‌صورت دعاوی متقابل، در دیوانی مستقل به اقامه دعا اقدام کند^۲. این وضعیت به‌ویژه هنگامی رخ می‌دهد که در موافقت‌نامه داورى، داوران تعیین

1. International Chamber of Commerce (ICC).

۲. باید خاطر نشان کرد که در موارد متعددی دیوان‌های داورى در مقابل درخواست ادغام این‌گونه دعاوی که اصولاً باید در یک مرجع داورى مورد رسیدگی قرار گیرد، از خود مقاومت نشان می‌دهند؛ چراکه منافع اقتصادی داوران در بقای دیوان‌های متعدد و عدم ادغام جریان‌های داورى است.

نشده باشند و تشکیل دیوان داوری بعد از حدوث اختلاف صورت پذیرد. همچنین در موردی که جریان رسیدگی دیوان اول در مراحل نهایی خود باشد، تشکیل دیوان دوم احتمال بیشتری خواهد داشت. گفتنی است که تشکیل دیوان داوری اول و انتخاب داوران آن، به معنای این نیست که تمامی اختلافات طرفین الزاماً بایستی در همان دیوان مورد رسیدگی واقع شود.

ادغام جریان‌های داوری به‌عنوان شیوه‌ای شکلی برای تجمیع ادعاهای مختلف (در خصوص همه طرفین و کلیه اختلافات) در یک دیوان واحد چه در داوری‌های داخلی و چه در داوری‌های بین‌المللی از جمله مباحثی است که فقط در برخی از قوانین داوری ملی، مانند قانون داوری انگلیس و قانون آیین دادرسی مدنی هلند، و نیز برخی قواعد داوری سازمانی مورد توجه قرار گرفته است.

ادغام جریان‌های داوری سبب صرفه‌جویی در زمان و هزینه رسیدگی‌ها و در نتیجه افزایش کارآمدی داوری‌ها می‌شود. از طرف دیگر، به دلیل وحدت جریان داوری از صدور آرای داوری متناقض راجع به موضوعات واحد یا مرتبط اجتناب می‌گردد. در مقابل، ادغام داوری‌ها معایبی نیز دارد، از جمله اینکه سبب پیچیدگی و دشواری روند انتصاب داوران می‌شود و به دلیل پیوستن طرفین دیگر به داوری در نتیجه ادغام، جنبه محرمانه و خصوصی داوری با چالش مواجه می‌گردد. این احتمال وجود دارد که به دلایلی حقوق اساسی یک طرف در جریان ادغام داوری‌ها نقض شود.

ادغام جریان‌های داوری مستلزم رعایت شرایطی از قبیل رضایت (صریح یا ضمنی) طرفین به ادغام داوری‌ها، وحدت موافقت‌نامه داوری یا وحدت طرفین و رابطه حقوقی در فرض تعدد موافقت‌نامه‌های داوری است، اما با وجود رعایت همه ملزومات، ممکن است بنابه دلایلی، از قبیل تعیین مقرهای داوری مختلف و داوران متعدد، تحقق ادغام با مشکل مواجه شود.

به‌رغم آنکه هیچ‌یک از مجموعه‌های قوانین و قواعد داوری به بررسی کامل شروط و موانع تحقق ادغام نپرداخته‌اند، بررسی مفهوم ادغام جریان‌های داوری از اهمیت کافی برخوردار است تا دیوان‌های داوری از این عنصر کلیدی در جهت حل چالش‌های داوری بهره‌مند شده، اعتبار و مشروعیت داوری را به‌عنوان یک شیوه توافقی و کارآمد حل اختلافات ارتقا دهند. همچنین، مقاله حاضر به بررسی اقسام ادغام و مزایا و معایب آن می‌پردازد و در نهایت شروط تحقق ادغام جریان‌های داوری را در کنار موانع آن مورد بررسی قرار می‌دهد.

گفتنی است، علاوه بر ادغام جریان‌های داوری، وضعیت ادغام داوری و دادرسی نیز به‌عنوان یک موضوع مستقل مورد توجه قرار گرفته که خارج از بحث مقاله حاضر است (Bermann, 2017: 257-308; Crivellaro, 2005: 371-420).

۱. مفهوم ادغام جریان‌های داوری

با تجمیع دو یا چند جریان داوری مرتبط اما مجزا که در اثر بروز اختلاف‌های مرتبط با قراردادهای متفاوت یا ناشی از آن و یا حتی قرارداد واحد آغاز شده‌اند، ادغام محقق می‌شود (Hanotiau, 2020: 334-5; Girsberger & Voser, 2016: 141; Rubino-Sammartano, 2014: 392). به عبارت دیگر، ادغام فرایندی است که طی آن چندین رسیدگی مستقل اما مرتبط در حال انجام یا در شرف آغاز، در رسیدگی واحدی تلفیق می‌شوند. این تعریف شامل کلیه شرایط مقرر در قواعد داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و قواعد داوری بین‌المللی سوئیس^۱ است (Pair, 2011: 14). با ادغام و ارجاع همه اختلافات مربوط به یک موضوع در داوری واحد، دیوان داوری حق صدور رأی واحد نسبت به تمامی آن مسائل را خواهد داشت که این امر به برگزاری جلسات رسیدگی هم‌زمان و استماع مستندات و لوائح قانونی ناشی از اختلافات همه طرفین مشمول داوری‌های تلفیقی خواهد انجامید (Schwartz, 1990: 343).

۲. ادغام جریان‌های داوری در قوانین و قواعد داوری

اغلب کنوانسیون‌های داوری به‌صراحت به موضوع ادغام نپرداخته‌اند، اما برخی از شارحان کنوانسیون نیویورک معتقدند که اگر یکی از طرفین برای انجام داوری نسبت به برخی اختلافات خاص در داوری ادغام‌شده یا با حضور شخص خاصی واجد حق قراردادی باشد، مواد ۲(۱) و ۲(۳) کنوانسیون یادشده ملزم به به‌رسمیت شناختن این حقوق قراردادی به‌عنوان اجزای تفکیک‌ناپذیر موافقت‌نامه داوری طرفین است؛ برعکس، اگر یکی از طرفین حق قراردادی برای داوری در یک جریان داوری ادغام‌نشده یا مقرر شود که امکان حضور اشخاص دیگری در جریان داوری طرفین قرارداد وجود نخواهد داشت، چنین توافقی مورد حمایت کنوانسیون نیز خواهد بود (Born, 2020: 2764).

در میان قوانین داوری ملی، بند نخست ماده ۱۰۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی هلند (۲۰۱۵) مقرر می‌دارد که طرفین رسیدگی‌های داوری در هلند می‌توانند از دادگاه منطقه‌ای آمستردام بخواهند تا جریان‌های داوری را (به صورت کلی یا جزئی) با سایر رسیدگی‌های داوری که در دیوان داوری دیگری در هلند آغاز شده است، ادغام نماید که در این خصوص دادگاه یادشده واجد اختیار انتصاب داوران در داوری تلفیقی و تعیین قواعد شکلی قابل اعمال است (Van Haersolte-van Hof, 1997: 427). در این قانون به محدودیت‌های امکان ادغام داوری‌ها نیز اشاره شده است؛ نخست، طرفین آزادانه می‌توانند بر سلب اختیار دیوان داوری برای صدور دستور ادغام توافق کنند. دوم، دیوان داوری اجازه صدور دستور ادغام را ندارد، مگر اینکه هر دو جریان

1. Swiss Rules of International Arbitration (Swiss Rules)

داوری در هلند برگزار شده باشد (Born, 2020: 2376-79). ماده ۳۵ قانون داوری انگلیس (۱۹۹۶) نیز در شناسایی امکان ادغام داوری‌ها و شرایط آن صراحت دارد. در قانون داوری فدرال امریکا در خصوص ادغام داوری‌های چندجانبه مقررهای وجود ندارد، اما قواعد آیین دادرسی مدنی فدرال امریکا^۱ (اصلاحی ۲۰۲۰)، امکان ادغام داوری‌ها از طریق اعمال قوانین فدرال در رسیدگی‌های مربوط به داوری چندجانبه را فراهم ساخت (Carbonneau, 2014: 64).

به‌رغم عدم تصریح اغلب قوانین ملی و کنوانسیون‌ها به موضوع ادغام جریان‌های داوری، بیشتر سازمان‌های داوری طی چند دهه اخیر ادغام جریان‌های داوری را در مقررات خود پیش‌بینی نموده‌اند که از جمله می‌توان به قواعد داوری SCC^۲، LCIA^۳، VIAC^۴ و ICC اشاره کرد. بسیاری از سازمان‌های داوری نیز در قواعد خود تجدیدنظر کرده‌اند تا مقررات ناظر بر داوری‌های چندجانبه را در آن بگنجانند؛ از جمله قواعد داوری HKIAC^۵ و SIAC^۶. ماده ۱۰ ICC، امکان ادغام جریان‌های داوری را در صورت تحقق شروط موردنیاز پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۲۸(۱) قواعد جدید HKIAC (۲۰۱۸)، پس از دریافت درخواست یکی از طرفین برای ادغام و مشورت با سایر طرفین و هریک از داوران تأییدشده یا منصوب، HKIAC برای ادغام اقدام می‌کند. ماده ۸ قواعد SIAC (۲۰۱۶) مقررات گسترده‌ای را در مورد ادغام داوری‌ها وضع نمود که بر اساس آن، ادغام هم قبل از تشکیل دیوان داوری و هم از جانب خود دیوان داوری پیش‌بینی شده است. طبق ماده ۱۳ قواعد داوری CEPANI^۷ (۲۰۲۰)، کمیته انتصاب یا رئیس می‌تواند دستور ادغام دو یا چند داوری مرتبط یا تفکیک‌ناپذیر را که تحت حاکمیت این قواعد داوری در جریان هستند، صادر نماید. قواعد ICDR^۸ (۲۰۲۱) رویکرد متفاوتی راجع به ادغام داوری‌ها اتخاذ نموده است. ماده ۹ قواعد داوری یادشده، مانند سایر قواعد داوری سازمانی، از ادغام از سوی سازمان داوری بحث نکرده است، بلکه تصریح دارد که ادغام داوری‌ها با تعیین یک داور ادغام^۹ یا از سوی سازمان صورت می‌پذیرد. ماده ۱۹ قواعد داوری CIETAC^{۱۰} پیش‌بینی کرده است که به درخواست یکی از طرفین، CIETAC می‌تواند تحت شرایطی خاص دو یا چند داوری در حال رسیدگی را بر اساس این قواعد در داوری واحدی ادغام نماید. مرکز داوری بین‌المللی سنگاپور (SIAC) نیز اعلام می‌دارد که ادغام اغلب پس از تشکیل دیوان داوری و در صورت درخواست و توافق طرفین و مطابق با

1. Art. 81(a)(6)(B)
2. Arbitration Institute of the Stockholm Chamber of Commerce
3. London Court of International Arbitration
4. Vienna International Arbitral Centre of the Austrian Federal Economic Chamber
5. Hong Kong International Arbitration Centre
6. Singapore International Arbitration Centre
7. The Belgian Centre for Arbitration and Mediation
8. International Center for Dispute Resolution.
9. Consolidation Arbitrator
10. China International Economic and Trade Arbitration Commission.

دستورالعمل‌های صادره از دیوان‌های داوری امکان‌پذیر است (Howes & Stowell, 2016: 11). ماده ۱۶(۱) قواعد ACICA^۱ هم ادغام دو یا چند داوری را بنابه درخواست یکی از طرفین و با رعایت شروط مقرر تجویز می‌کند. در نسخه ۱۹۷۶ قواعد داوری آنسیترال مقررهای برای ادغام پیش‌بینی نشده بود، ولی کارگروه پیش‌نویس قواعد یادشده در سال ۲۰۰۷ پیشنهاد داد تا مقررهای راجع به ادغام در نظر گرفته شود، اما به دلیل سازوکار پیچیده جریان ادغام، این پیشنهاد عملی نشد. در عرصه حقوق بین‌الملل عمومی و داوری سرمایه‌گذاری بین‌المللی نیز موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی^۲ (ماده ۱۱۲۶)، نخستین توافق چندجانبه‌ای بود که امکان ادغام داوری‌ها را در صورت درخواست یک طرف اختلاف فراهم می‌کرد (Cremades & Madalena, 2008: 538) و در دو ماده ۳۳ مدل امریکایی BIT^۳ و ۳۲ مدل کانادایی BIT^۴ هم امکان ادغام داوری‌ها پیش‌بینی شده است (Crivellaro, 2005: 404-5).

۳. انواع ادغام جریان‌های داوری

ادغام جریان‌های داوری از جهات مختلف به شرح زیر قابل تقسیم است:

۳.۱. ادغام اختیاری (Arbitrary Consolidation) و اجباری (Compulsory Consolidation)

ادغام جریان‌های داوری بر مبنای وجود یا نبود رضایت طرفین داوری، به ادغام اختیاری و اجباری تقسیم می‌شود. اساس تحقق ادغام اختیاری رضایت طرفین است؛ به این معنا که اگر رضایت طرفین موجود نباشد، دادگاه یا دیوان داوری هیچ اختیاری برای صدور دستور ادغام داوری‌ها ندارد. در ادغام اجباری داوری‌ها دادگاه یا دیوان داوری بدون در نظر گرفتن وجود یا نبود رضایت طرفین و بنابه مصالح و مزایای مختلفی که ادغام جریان‌های داوری می‌تواند داشته باشد، از جمله کارآمدی رسیدگی‌ها و جلوگیری از صدور آرای متناقض، دستور ادغام داوری‌ها را صادر می‌کند. از آنجا که رضای طرفین اساس داوری است، تصور ادغام اجباری رسیدگی‌های داوری دشوار است. مطالعات گسترده در مورد قوانین و رویه قضایی (به‌ویژه در ایالات متحده و دادگاه‌های هنگ‌کنگ) نشان می‌دهد که ادغام اجباری مبتنی بر سه دلیل عمده حقوقی است: تجویز صریح قانونی، تفسیر موسع قانون و رضایت مفروض طرفین برای ادغام (Manjiao, 2008: 2). اکثریت جامعه داوری بین‌المللی معتقدند که چون ادغام اجباری تنها یک استثنا بر قاعده کلی است، هنوز به یک شیوه رایج و رویه تبدیل نشده است (Manjiao, 2008: 2).

1. Australian Center for International Commercial Arbitration.

2. North American Free Trade Agreement (NAFTA).

3. U.S. Model Bilateral Investment Treaty

4. The Canadian Model BIT

با این حال، تغییر رویکرد برخی از قواعد داوری سازمانی از منع صریح ادغام اجباری به تجویز آن، حاکی از گسترش پذیرش ادغام اجباری داوری‌ها است. برای نمونه، سازمان امریکایی معماران (AIA)^۱ که تابع قواعد داوری صنعت ساخت‌وساز «AAA» است، پیش از این برای ممانعت از ادغام داوری‌ها بدون رضایت صریح معمار اقدام به بازنگری در اسناد فرم خود نموده بود (Schwartz, 1990: 346). اما با بازنگری در قواعد داوری و آیین میانجیگری در صنعت ساخت‌وساز در سال ۲۰۱۷^۲ و تصویب ماده ۷ آن، AIA سند جدیدی^۳ منتشر نموده که در آن، سازمان داوری ادغام اجباری را تجویز کرده است. اکنون در اهمیت ادغام اجباری داوری‌ها استدلال می‌شود که اگرچه رسیدگی‌های موازی و مرتبط همیشه با مشکلاتی همراه بوده، اما اکنون مکانیسم شکلی متفاوتی برای کاهش یا جلوگیری از تأثیرات نامطلوب این نوع رسیدگی‌ها ایجاد شده که از جمله مهم‌ترین این سازوکارها، ادغام جریان‌های داوری است. از آنجا که ادغام مستلزم رضای طرفین است و حصول رضا نیز مشکل به نظر می‌رسد، ادغام اجباری داوری‌ها مؤثرترین روش برای مقابله با مشکلات رسیدگی‌های موازی است، زیرا نیاز به توافق طرفین را برطرف می‌کند (Cremades & Madalena, 2008: 507). از همین رو، برخلاف داوری‌های تجاری که ادغام آن کاملاً منوط به تحصیل رضای طرفین است، ادغام داوری‌های سرمایه‌گذاری مرتبط است با صدور دستور لازم‌الاتباع از دیوان داوری که مبنای آن تفاوت اصول راهبردی ادغام در حقوق سرمایه‌گذاری بین‌المللی است (Crivellaro, 2005: 416).

۲.۳. ادغام کلی (Overall or Total or in Full Consolidation) و جزئی (Partial Consolidation)

ادغام جریان‌های داوری حسب قلمرو شمول ادغام به دو نوع کلی و جزئی تقسیم می‌شود (Crivellaro, 2005: 409). در ادغام کلی، تمامی موضوعات و مسائل داوری‌های مرتبط با هم ادغام می‌شوند، درحالی که در ادغام جزئی فقط برخی از مسائل داوری که ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند، مشمول ادغام هستند. مراد از ادغام جزئی آن است که بخشی از یک داوری هم‌زمان با داوری دیگری برگزار شود. در مواردی که مسائل مشترک موضوعی و حکمی مطرح باشند، شاید مطلوب‌تر باشد که با تراضی طرفین، دیوان داوری ادله، مستندات و لوایح مربوط به مسائل مشترک را هم‌زمان استماع نماید و راجع به سایر مسائل داوران به شکل مجزا اقدام به رسیدگی کند^۴.

1. American Institute of Architects

2. Construction Industry Arbitration Rules and Mediation Procedures (2017), Art. 7(a)

3. AIA Document A401TM 2017

۴. بر اساس ماده ۱۰۴۶ (۴) قانون آیین دادرسی مدنی هلند، در ادغام جزئی با تعیین اختلافات مشمول داوری تلفیقی از سوی

قاضی صادرکننده دستور ادغام، دو داوری در جریان تعلیق می‌شوند و قاضی یک دیوان داوری جدید برای داوری تلفیقی

تشکیل می‌دهد. در صورت عدم تراضی طرفین در انتخاب داور در مهلت تعیین‌شده، قاضی باید با درخواست یکی از

در صورت تراضی بر ادغام، ابتدا باید مشخص شود که آیا ادغام باید کلی باشد یا جزئی. در برخی اسناد داورى، مانند ماده ۱۱۲۶ (۲) موافقت‌نامه تجارت آزاد امریکای شمالی، ادغام جزئی به تصریح تجویز شده است، اما سایر منابع در این خصوص حکمی ندارند. به نظر می‌رسد که به حکم منطق می‌توان استدلال کرد که ادغام کلی باید بر ادغام جزئی غلبه و ترجیح داشته باشد، زیرا ادغام جزئی به اندازه ادغام کلی کارایی شکلی ندارد و با ادغام جزئی، جریان‌های داورى متفاوت حتی پس از ادغام، به موازات ادامه می‌یابند (Kaufmann-Kohler et al., 2006: 98). البته شایان ذکر است که این دو نوع ادغام ممکن است با هم ترکیب شوند. برای مثال، ممکن است دو خواهان ادعاهای یکسانی علیه خوانده مطرح کرده باشند و ضمن اینکه بعضی ادعاهای خواهان سوم با ادعاهای دو خواهان دیگر یکسان است، برخی ادعاهای متفاوت نیز مطرح شود. در این فرض، دعاوی دو خواهان نخست می‌تواند موضوع ادغام کلی، و ادعاهای خواهان سوم مصداق ادغام جزئی باشد. حتی دیوان داورى یا دادگاهی که دستور ادغام صادر می‌کند، می‌تواند به ادغام جزئی حکم دهد (Kaufmann-Kohler et al., 2006: 98).

۳.۳. ادغام درون‌سازمانی (Intra-Institutional Consolidation) و بین‌سازمانی (Cross-Institutional Consolidation)

حسب اینکه در موافقت‌نامه‌های داورى متعدد به داورى یک یا چند سازمان داورى توافق شده باشد، ادغام جریان‌های داورى به دو نوع ادغام درون‌سازمانی و بین‌سازمانی تقسیم می‌شود. با اینکه بسیاری از قواعد داورى سازمانی در طرح بحث ادغام داورى‌ها پیشرو هستند، اما این قواعد سازمانی فقط ناظر بر ادغام داورى‌هایی است که بر اساس موافقت‌نامه‌های داورى سازگار انجام می‌شود و در این موافقت‌نامه‌ها به داورى سازمان داورى واحدی توافق شده است که از آن به ادغام درون‌سازمانی یاد می‌شود و هیچ مانعی برای تحقق آن وجود ندارد. با این حال، اگر در دو موافقت‌نامه داورى نسبت به قواعد سازمانی متفاوتی توافق شده باشد، مصداق ادغام بین‌سازمانی است. تحقق ادغام بین‌سازمانی با پیچیدگی‌های منطقی و جدی مواجه است؛ برای مثال، ادغام یک داورى ICC و یک داورى LCIA در یک داورى واحد ممکن نیست. در سال ۲۰۱۷ SIAC پیشنهادی درباره ادغام بین‌سازمانی منتشر کرد. این طرح برای سهولت در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی به ارائه سازوکاری برای ادغام دو یا چند داورى تحت حاکمیت مجموعه قواعد داورى سازمانی مختلف پرداخته است. طبق این پیشنهاد دو یا چند سازمان داورى می‌توانند

طرفین اقدام به تعیین داور یا داوران و مقررات حاکم بر داورى نماید. رأی داورى صادره از این دیوان برای دو دیوان دیگر لازم‌الاتباع است. پس از ابلاغ کتبی رأی دیوان داورى تلفیقی به دو دیوان دیگر، داورى‌های معلق ادامه خواهند یافت. برای مطالعه بیشتر، ر.ک. Bom, 2001: 680-81; Poudret & Besson, 2007: 205.

مقرره‌ای را جهت ادغام بین‌سازمانی تنظیم کنند. برای مثال، سازمان‌های داوری ICC و SIAC مقرره‌ای بین خود داشته باشند که مشخص کند کدام سازمان داوری تلفیقی را اداره نماید و قواعد داوری کدام سازمان باید اعمال شود (Born, 2020: 2802). ادغام بین‌سازمانی بر اصول داوری بین‌المللی، مثل رضایت مفروض، بنا شده است تا چارچوب موجود برای حل اختلافات چندجانبه پیچیده را توسعه دهد (Born & Prasad, 2018: 84).

۴. مزایا و معایب ادغام جریان‌های داوری

ادغام جریان‌های داوری با مزایا و معایبی همراه است که در بخش‌های آتی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴.۱. مزایای ادغام جریان‌های داوری

ادغام جریان‌های داوری، چه ناشی از قرارداد واحد و با حضور دو طرف آن (قراردادهای دوجانبه) و چه ناشی از قراردادهای متعدد، اما مرتبط و با حضور چند طرف (قراردادهای چندجانبه) باشد، مزایای مهمی را دربر دارد که می‌تواند نشان از اهمیت ادغام در داوری‌های داخلی و بین‌المللی باشد. مهم‌ترین مزایای ادغام جریان‌های داوری در ادامه آمده است.

۴.۱.۱. افزایش کارآمدی رسیدگی‌ها

ادغام جریان‌های داوری در درجه اول مزایای مربوط به اجرای کارآمد عدالت در همه رسیدگی‌ها را در پی دارد؛ به این ترتیب که داوری واحد می‌تواند بسیار کارآمدتر از دو یا چند رسیدگی مجزا باشد (Geisinger, & Ducret, in: Geisinger & Voser, 2013: 86). برای نمونه، به هنگام بروز اختلاف در پروژه‌های ساختمانی وجود زنجیره قراردادهای میان طرفین متعدد (کارفرمایان، پیمانکاران اصلی و فرعی و مهندسان) ممکن است به آغاز جریان‌های داوری موازی راجع به همان قراردادها و همان اطراف متعدد منجر شود. در چنین شرایطی ادغام داوری‌ها و حل و فصل اختلافات چندجانبه در رسیدگی واحد می‌تواند به کارآمدی بیشتر جریان‌های داوری بینجامد و به دیوان‌های مختلف برای رسیدگی مجزا به مسائل موضوعی یا حکمی نیازی نخواهد بود. به این ترتیب، لزوم بررسی مجدد شواهد و مدارک منتفی می‌شود (Kaufmann-Kohler et al., 2006: 83). همچنین در فرض ادغام جریان‌های داوری، همه اظهارات و مدارک و دلایل طرفین به صورت واحد و یکپارچه ارائه می‌شود و چنین نیست که طرف مقابل از دلایل و اظهارات یک طرف بی‌اطلاع بوده باشد و در نتیجه نتواند پاسخ ماهوی مناسبی نسبت به آن ادعا ارائه نماید. از همین رو، ادغام جریان‌های داوری موجب تداوم رعایت اصل تناظر خواهد بود. از سوی دیگر، مشارکت سایر طرفین در

رسیدگی‌های ادغام شده ممکن است شواهد و مدارک مضاعفی را در اختیار دیوان داورى قرار دهد که استماع مسائل حکمی و موضوعی مرتبط سبب می‌شود دیوان به درک کامل و جامع از قرارداد و تعهدات طرفین نائل شود که همگی به کارآمدی بیشتر رسیدگی‌های تلفیقی می‌انجامد (Born & Prasad, 2018: 56). در برخی موارد حفظ کارآمدی رسیدگی‌ها مستلزم ادغام جریان‌های داورى است؛ به نحوی که عدم ادغام اختلافات ناشی از چند قرارداد مرتبط می‌تواند به ناکارآمدی آشکار در رسیدگی‌های داورى منجر شده، در نهایت این احتمال وجود دارد که حقوق یکی از طرفین داورى تضییع گردد (Howes & Stowell, 2016: 8).

البته اگر دعاوی مطرح در دو جریان داورى علی‌رغم وحدت طرفین و موافقت‌نامه داورى به شکل بنیادین نامرتب باشند و مسائل موضوعی و حکمی آنها اصلاً هم‌پوشانی نداشته باشند، ادغام داورى‌ها نه تنها کارساز نخواهد بود، بلکه به پیچیدگی بیشتر و تطویل رسیدگی منجر خواهد شد (Born & Prasad, 2018: 71).

اهمیت ادغام جریان‌های داورى در مرحله اجرای رأی داور نیز مطرح می‌شود، زیرا در رسیدگی‌های تلفیقی طرفین از رأی صادرشده و همچنین حقوق و تعهدات خود طبق آن رأی اطلاع کافی خواهند یافت و همین امر سبب اجرای مؤثر آرای داورى و افزایش کارآمدی رسیدگی‌ها خواهد شد.

۲.۱.۴. کاهش هزینه‌ها

هم در رسیدگی‌های قضایی و هم در داورى‌ها، غلبه هزینه‌ها وجود دارد. هنگامی که چندین پرونده مرتبط با هم ادغام شده، مورد رسیدگی قرار می‌گیرند، برخی از هزینه‌ها، مانند هزینه برگزاری جلسات استماع یا حق‌الوکاله کاهش می‌یابد و اعتراض به نتایج مشابه یا یکسان نیز مستلزم صرف مکرر منابع (پول و زمان) نیست (Pair, 2011: 16). همچنین، داورى واحد مانع از پرداخت هزینه‌های خاص مرتبط با هیئت‌های داورى و پرداخت حق‌الزحمة هریک از اعضای این هیئت‌ها خواهد بود (Fry et al., 2012: 111). مقرون به صرفه بودن ادغام داورى‌ها به‌ویژه برای طرفینی که در تمام داورى‌های ادغام‌شده مداخله دارند، مشهودتر است. با ادغام جریان‌های داورى، هر موضوع اختلاف فقط یک بار مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که این امر در خصوص شرح موقوف، ارائه ادله و مدارک و طرح استدلال‌های حقوقی اعمال می‌شود (Peter et al., 2008: 1039).

۳.۱.۴. جلوگیری از صدور آرای متناقض

در داورى‌های دو یا چندجانبه ممکن است اختلافی پیش آید که بیش از یک قرارداد را تحت تأثیر قرار دهد. برای نمونه، در یک زنجیره قراردادی (مثل فروش و بافروش کالا یا اجاره کشتی و

اجاره مجدد آن از سوی طرف اولیه قرارداد) اگر یکی از طرفین علیه طرف قراردادی خود اقامه دعوا نماید، شخص اخیر در صدد انتقال مسئولیت به ثالث خواهد بود که ثالث ممکن است کارپرداز وی در فروش کالا در فرض نخست یا اجاره‌کننده اول در فرض اجاره کشتی باشد. به همین ترتیب، اختلاف میان مالک ساختمان و پیمانکار اصلی ممکن است سبب گردد که هریک از طرفین در صدد وارد نمودن پیمانکار فرعی یا معمار یا مهندس سازه به جریان اختلاف باشد، تا بتواند مسئولیت را به دوش او بگذارد یا به دنبال ضمانت اجرای جایگزین باشد. ریسک انجام داوری‌های مجزا در این فروض آن است که دیوان‌های مختلف بر اساس هریک از این قراردادها تشکیل می‌شوند و ممکن است دیوان‌های مجزا در خصوص مسائل مرتبط به نتایج متفاوتی برسند (Geisinger, & Ducret, in: Geisinger & Voser, 2013: 86)؛ به این ترتیب که ممکن است در داوری‌های متعدد اما مرتبط، یک طرف در یک اختلاف سه‌جانبه مسئول شناخته شود، درحالی که در داوری دیگر همین طرف ممکن است از مسئولیت مبرا شود. برای مثال، ممکن است یک دیوان داوری، الزام شخص به انجام کاری را بخواهد که دیوان داوری دیگر وی را از انجام آن کار منع کرده است (Born, 2020: 2760). در نهایت، در یک وضعیت دو یا چندجانبه طرفین به روش واحدی در مورد موضوعات مشترک نیاز دارند تا نتایج حاصل باهم مطابقت داشته باشد و از صدور آرای متناقض اجتناب شود و این امر از طریق ادغام جریان‌های داوری محقق می‌شود؛ چراکه با توجه به حقایق مربوط به یکی از دعاوی مطروحه^۱ و با اعمال قوانین ماهوی و شکلی متفاوت در پرونده‌های مختلف، ریسک تصمیمات متناقض در رسیدگی‌های مجزا بسیار بالاتر از ادغام جریان‌های داوری است (Hanotiau, 2020: 388-9). رسیدگی‌های داوری سازگار موجب افزایش اعتماد به این سیستم رسیدگی می‌شود، رسیدگی‌های خودسرانه کمتر شده، به تبع آن، نتایج رسیدگی‌ها قابل پیش‌بینی‌تر می‌شود (Pair, 2011: 15).

۱. تصمیم اخیر در پرونده «CME / Lauder» نشان می‌دهد که خطر نتایج متناقض در رسیدگی‌های مجزا اما مرتبط، امری واقعی است و این ریسک در مواردی بیشتر می‌شود که قوانین ماهوی و شکلی حاکم بر پرونده‌های مختلف یکسان نباشد. در این پرونده به دلیل برگزاری دو داوری آنسبترال در لندن و استکهلم، آرای متعارض متعددی به ترتیب زیر صادر شده است: الف) رأی نهایی از دیوان داوری لندن (۳ سپتامبر ۲۰۰۱): Available at: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0451.pdf>
 ب) رأی جزئی صادره از دیوان استکهلم (۱۳ سپتامبر ۲۰۰۱): Available at: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0178.pdf>
 ج) رأی نهایی صادره از دیوان استکهلم (۱۴ مارس ۲۰۰۳): Available at: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0180.pdf>
 د) رأی صادره از دادگاه تجدیدنظر استکهلم (۱۵ می ۲۰۰۳): Available at: <https://www.italaw.com/sites/default/files/case-documents/ita0182.pdf>

۲.۴. معایب ادغام جریان‌های داوری

معایب ادغام جریان‌های داوری به قرار زیر است:

۲.۴.۱. سخت شدن روند انتصاب داوران و تشکیل دیوان داوری جدید

اکثر دیوان‌های داوری با حضور سه عضو رسمیت پیدا می‌کنند؛ به این ترتیب که هریک از طرفین داور خود را برگزیده، بر سر انتخاب داور مشترک توافق می‌کنند. بنابراین، در ادغام جریان‌های داوری ممکن است لااقل بر سر انتخاب داور مشترک توافق حاصل نشود (Born, 2020: 2761). از همین رو، یکی از پیچیده‌ترین جنبه‌های ادغام جریان‌های داوری، اثر متقابل اقدامات شکلی و انتخاب دیوان داوری است. در مقابل، یکی از ویژگی‌های مهم داوری، حق برابر طرفین برای انتصاب دیوان داوری است و سلب این حق از طرفین مشکلات عملی (از حیث پذیرش و اجرای رأی) در پی خواهد داشت. این مشکل در مواردی مطرح می‌شود که در داوری تلفیقی بعضی از طرفین هیچ نقش و مشارکتی در تعیین اعضای دیوان داوری نداشته باشند که نمونه آن، فرضی است که داوری جدید شامل ادغام جریان‌های داوری بین طرف‌های «الف» و «ب» (بدون تعیین دیوان داوری) و داوری موجود بین «ب» و «ج» (درجایی که دیوان داوری تعیین شده است) باشد. البته، بدون شک، طرفینی که ادغام جریان‌های داوری را پیش‌بینی کرده‌اند، می‌دانند که ممکن است این امر به ازدست رفتن فرصت یک طرف برای معرفی داور یا مقام ناصب داور منجر شود. بر اساس منطق دیوان عالی فرانسه در رأی صادره در پرونده «داتکو»، برابری طرفین در انتخاب داوران یکی از موضوعات مربوط به نظم عمومی است و صرفاً پس از بروز اختلاف قابل اعراض است و اسقاط حق بر مشارکت در انتخاب داور پیش از بروز اختلاف قابل اعتنا نیست. از سوی دیگر، در شناسایی آرای داوری هم ممکن است مشکل ایجاد شود (Born, 2020: 2803). در هر صورت، بیشتر قواعد داوری سازمانی با پیش‌بینی انتصاب همه اعضای دیوان داوری از سوی سازمان (در شرایطی که طرفین قادر به مشارکت برابر در انتخاب دیوان داوری نباشند) سعی می‌کنند از بروز این مشکل جلوگیری نمایند (Born, 2020: 2805).

۲.۴.۲. احتمال تقسیم ناعادلانه هزینه‌ها و طولانی شدن روند رسیدگی

اگرچه طرفین برای دستیابی به تصمیمی خنثی، قابل اجرا و سریع بر داوری تراضی می‌کنند و جزئیات مسائل شکلی در فرایند ادغام اغلب نادیده گرفته می‌شود (Born, 2020: 2763) تا ادغام متضمن صرفه‌جویی در هزینه و زمان باشد، اما گاهی ممکن است هزینه‌های یک طرف

1. Judgment of 7 January 1992, BKMI v. Dutco, 10 ASA Bull. 295, 297 (1992) (French Cour de Cassation Civ. 1), Note, Jarrosson.

افزایش پیدا کند و در واقع، یک طرف متحمل پرداخت هزینه‌های طرف مقابل هم بشود (Born, 2020: 2762). بنابراین، صرفه‌جویی در هزینه‌ها همیشه به صورت برابر بین طرفین توزیع نمی‌شود و نمونه آن موردی است که شخص به جای اینکه در داوری ادغام‌نشده واحدی حاضر باشد، به ضرورت در یک داوری ادغام‌شده طولانی‌مدت حضور پیدا می‌کند (Crivellaro, 2005: 410). از آنجا که در رسیدگی‌های تلفیقی طرفین اضافی و داوران اضافی حضور دارند، لذا هریک از طرفین بار اضافی استماع دعاوی و ارائه مدارک و شواهد را به دوش می‌کشد که همه آنها به افزایش هزینه‌های داوری طرفین منجر می‌شود (Schwartz, 1990: 343).

از طرف دیگر، روند رسیدگی در داوری تلفیقی ممکن است طولانی‌تر از داوری واحدی دوطرفه باشد (Born, 2020: 2762)؛ به این ترتیب که ادغام جریان‌های داوری می‌تواند دامنه مسائلی موضوعی و حکمی مطرح در رسیدگی‌ها را گسترش دهد و به طرح موضوعات شکلی مضاعف هم منجر شود، به‌ویژه اگر در نتیجه ادغام جریان‌های داوری طرفین جدیدی به رسیدگی‌ها معرفی شوند (Born & Prasad, 2018: 57-8). برخی از محققان تأکید کرده‌اند که حتی با مدیریت مؤثر پرونده‌های داوری، رسیدگی‌های تلفیقی باز هم طولانی‌تر از هر رسیدگی مجزا خواهند بود (Kaufmann-Kohler et al., 2006: 83) که همین امر سبب می‌شود که استیفای حقوق طرفین داوری به تأخیر افتد.

۴.۲.۳. نقض اصل محرمانه بودن داوری

محرمانگی یکی از اوصاف اصلی داوری است و طرفین قرارداد در صدد هستند تا اختلاف خود را در یک محیط کاملاً خصوصی حل و فصل کنند تا آسیبی به روابط تجاری آتی آنها وارد نشود. ادغام جریان‌های داوری اصل محرمانه بودن داوری را نقض می‌کند (Born, 2020: 2761)؛ به این ترتیب که طرف‌هایی که نمی‌خواهند اطلاعات حساس خود را در مورد یک وضعیت تجاری با دیگران به اشتراک بگذارند، از طریق ادغام جریان‌های داوری ناگزیر از به اشتراک‌گذاری این اطلاعات با طرف‌هایی می‌شوند که با آنها قراردادی نبسته‌اند (Lew et al., 2003: 401).

به عبارت دیگر، ممکن است حفظ برخی از جنبه‌های خاص روابط هریک از طرفین با طرف دیگر، منافع قانونی برای آنان داشته باشد، اما در نتیجه ادغام جریان‌های داوری و احتمال پیوستن طرفین اضافی به فرایند داوری، اطلاعات محرمانه طرفین، نظیر اسرار تجاری، اطلاعات مالی و مسائل مربوط به دانش فنی، با ریسک افشا شدن مواجه می‌شوند (Cremades & Madalena, 2008: 534). در تصویب قانون داوری انگلیس (۱۹۹۶) این مسئله مورد توجه قرار گرفت و مقرر

۱. البته باید توجه داشت که ادغام جریان‌های داوری هنگامی که طرفین آن یکسان هستند، موجب نقض محرمانگی نمی‌شود؛ چراکه طرفین قرارداد در هر دو دعوا مشارکت داشته، از آن آگاهی کامل دارند.

شد که در موارد لزوم و برای جلوگیری از حصول نتایج متناقض، دیوان داوری باید صلاحیت برگزاری جلسات هم‌زمان دو یا چند رسیدگی را داشته باشد، اما به هر حال، این اختیار قانونی به‌عنوان یک عنصر نامطلوب در مداخله دیوان در روند داوری در نظر گرفته شده است و خود خطری برای محرمانه بودن فرایند داوری محسوب می‌شود (Blackaby et al., 2015: 151). با این حال، از ریسک افشای اطلاعات محرمانه می‌توان اجتناب کرد؛ به این شکل که جریان‌های داوری را می‌توان به نحوی سامان داد که دسترسی طرفین به اطلاعاتی که مربوط به پرونده خود نیست، محدود شود (Crivellaro, 2005: 419) و علاوه بر این، می‌توان برای محافظت از اطلاعات دارای امتیاز ویژه اقداماتی انجام داد (Kaufmann-Kohler et al., 2006: 84).

۴.۲.۴. نقض اصل حاکمیت اراده طرفین

به دلیل اینکه داوری یک روش توافقی حل و فصل اختلافات تجاری است، هیچ‌گونه توجیهی برای نقض این توافق وجود ندارد. با این حال، در برخی موارد، اصل حاکمیت اراده طرفین نقض می‌شود، به‌ویژه در فرضی که ادغام جریان‌های داوری از نوع ادغام اجباری باشد (Carbonneau, 2014: 65) و یا زمانی که طرفین ملزم به حضور در فرایند داوری در مقابل طرفین اختلاف دیگری می‌شوند که با آنان در خصوص داوری توافقی نداشته‌اند (Born, 2020: 2762). بنابراین، برخی از نویسندگان عقیده دارند که ادغام رسیدگی‌های مرتبط همیشه پاسخ‌آیدنال برای مشکلات ناشی از اختلافات پیچیده بین‌المللی نیست و نخستین دلیل این ادعا آن است که الزام به ادغام جریان‌های داوری بدون توافق همه طرفین، با ماهیت توافقی داوری مغایر است (Rubino-Sammartano, 2014: 393). ادغام جریان‌های داوری بدون توافق طرفین (ادغام اجباری)، حقوق قراردادی ثابت طرفین را در انتخاب قواعد شکلی و قانون ماهوی حاکم بر رسیدگی‌ها نقض کرده (Schwartz, 1990: 342)، به‌تبع آن، اصل حاکمیت اراده طرفین نیز نقض می‌شود (Manjiao, 2008: 6).

۵. شرایط تحقق ادغام جریان‌های داوری

ادغام جریان‌های داوری، چه در داوری داخلی و چه در داوری بین‌المللی، مستلزم تحقق برخی شرایط اساسی است. بدون تحقق این شرایط یا به‌طور کلی ادغام جریان‌های داوری میسر نخواهد شد و یا اینکه در صورت تحقق آن، این نوع ادغام با اصولی نظیر اصل حاکمیت اراده طرفین و وحدت قراردادی در تعارض خواهد بود. مهم‌ترین شرایط تحقق ادغام جریان‌های داوری در ادامه بررسی می‌شوند.

۵.۱. رضایت طرفین

در همه قوانینی که ادغام داوری‌ها به صراحت در آنها پیش‌بینی شده، شرط اصلی برای تحقق ادغام، رضایت طرفین عنوان شده است (Born, 2020: 2766; Crivellaro, 2005: 374). به باور برخی (Cohen, in: Rovine, 2009: 146) حتی امکان اجرای رأی صادره در نتیجه ادغام اجباری با حکم قضایی و بدون رضایت حتی یکی از طرفین، بر اساس کنوانسیون نیویورک محل تردید جدی است و دو دلیل این موضع در ماده ۵(۱) کنوانسیون نیویورک نهفته است: فقدان موافقت‌نامه داوری^۱ و نیز عدم انطباق ساختار دیوان یا آیین داوری با توافق طرفین^۲. با وجود این، رویکرد پذیرفته‌تر آن است که وقتی طرفین به داوری تحت حاکمیت قانون خاصی تراضی می‌کنند که متضمن ادغام است، این احتمال که ممکن است دستور ادغام صادر شود، بخشی از تراضی آنهاست (Van Den Berg, 1986: 368). ماده ۱۷(۵) نسخه نهایی قواعد داوری آنسیترال که به مسائل داوری‌های چندجانبه پرداخته است، به نقش رضایت طرفین در خصوص ادغام جریان‌های داوری اشاره دارد (Born, 2020: 2788). اگرچه قانون داوری هنگ‌کنگ با قانون نمونه آنسیترال تفاوت دارد، اما در خصوص ادغام جریان‌های داوری به رضایت طرفین اشاره می‌کند که در صورت تحقق این شرط، اختیار گسترده‌ای به دیوان داوری هنگ‌کنگ داده می‌شود. بر اساس رویه سابق در محاکم تالی ایالات متحده، FAA متضمن اعطای ضمنی صلاحیت ادغام داوری‌های مجزا به دادگاه‌ها است؛ حتی اگر طرفین راجع به ادغام به دستور دادگاه یا سایر اشکال آن تراضی نکرده باشند (Born, 2020: 2768). اما امروزه، اغلب محاکم فدرال و ایالتی ایالات متحده آمریکا، برای ادغام جریان‌های داوری، رضایت همه طرفین درگیر در فرایند داوری را لازم می‌دانند (Schwartz, 1990: 364). طبق حقوق فرانسه نیز داوران در صورت عدم رضایت طرفین مجاز به صدور دستور ادغام داوری‌ها نیستند (Born, 2020: 2770). ماده ۳۵ قانون داوری انگلیس (۱۹۹۶) مقرر می‌دارد: «۱- طرفین می‌توانند آزادانه توافق کنند که بر اساس شرایط مورد توافق (الف) جریان‌های داوری با سایر داوری‌ها ادغام شوند. (ب) جلسات رسیدگی به صورت هم‌زمان برگزار شود. ۲- دیوان داوری هیچ اختیاری برای صدور دستور ادغام داوری‌ها یا برگزاری هم‌زمان جلسات استماع ندارد، مگر آنکه طرفین تراضی نمایند تا چنین صلاحیتی را به دیوان داوری اعطا کنند». در ماده ۹ آیین داوری سازمان مهندسان راه و ساختمان^۴ نیز

1. Art. V(1)(a)

2. Art. V(1)(d)

۳. دادگاه رسیدگی‌کننده به پرونده «Nereus»، در خصوص الزام ضامن (غیر امضاکننده) اعلام کرده بود که حتی در نبود رضایت طرفین، دادگاه صلاحیت ادغام داوری‌ها را دارد:

Compania Espanola de Petroleos, S.A. v. Nereus Shipping S.A., 527 F. 2nd 966 (2d Cir. 1975).

اما اکنون این استدلال رد شده است و اگر موافقت‌نامه‌ها متضمن ادغام جریان‌های داوری باشند، مواد ۲ و ۴ FAA، به آن توافق ترتیب اثر می‌دهد.

4. The Institute of Civil Engineers Arbitration Procedure

به نقش رضایت طرفین برای تحقق ادغام جریان‌های داوری اشاره شده است. البته در برخی از نظام‌های حقوقی از جمله هلند و برخی ایالات کانادا، به توافق طرفین بر ادغام جریان‌های داوری اشاره‌ای نشده است. در قواعد سازمان‌های داوری هم از رضایت طرفین به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شروط تحقق ادغام جریان‌های داوری نام برده شده است؛ برای نمونه می‌توان به مواد ۱۰ ICC، ۱۴(۱) ACICA، ۱۵ VIAC، ۲۲A LCI، ۹ JCDR، ۱۹ CIETAC و ۳۸(۱) HKIAC اشاره کرد. با این حال، تعداد کمی از سازمان‌های داوری ادغام جریان‌های داوری را بدون حصول رضایت همه طرفین مورد پذیرش قرار داده‌اند؛ برای نمونه، طبق ماده ۷ قواعد داوری بین‌المللی سوئیس درجایی که طرفین نه‌تنها برای ادغام رضایت ندارند، بلکه به آن معترض هستند، دیوان داوری می‌تواند دستور به ادغام داوری‌ها بدهد، اما در عمل، دیوان داوری سوئیس این صلاحیت گسترده خود را به شکل محدود و در صورت وجود دلایل موجه اعمال می‌کند.

رایج‌ترین شکل اعلام رضایت صریح بر ادغام جریان‌های داوری، اعلام رضایت در موافقت‌نامه داوری اصلی یا تراضی بر قواعد داوری سازمانی است که در آن ادغام پیش‌بینی شده باشد (Born, 2020: 2763). اما در خصوص رضایت ضمنی طرفین، قوانین ملی کشورها رویکرد یکسانی ندارند؛ برای نمونه، درحالی که برخی از دادگاه‌های ایالات متحده بر این باورند که توافق صریح طرفین برای ادغام داوری‌ها ضرورت دارد^۱، برخی دیگر از محاکم معتقدند که توافق ضمنی طرفین بر ادغام جریان‌های داوری می‌تواند کافی باشد^۲. مواردی که می‌توانند نشان از رضایت ضمنی طرفین بر ادغام جریان‌های داوری داشته باشند، عبارت‌اند از: زبان شرط داوری، اصلاحات یا ضمیمه‌های توافق‌نامه داوری که در آنها ادغام جریان‌های داوری پذیرفته شده است و وجود موافقت‌نامه داوری واحد در یک قرارداد اصلی بین دو یا چند طرف و تبعیت مشترک طرفین از سازوکار واحد برای رسیدگی به اختلافات راجع به رابطه قراردادی واحد به جای اینکه نیازی به رسیدگی‌های پراکنده باشد (Born, 2020: 2773). در مقابل، در صورت اتخاذ شروط حل اختلاف متفاوت (از جمله شروط داوری متفاوت) یا درپیش گرفتن سازوکارهای داوری معارض و متفاوت، به دشواری می‌توان رضایت ضمنی بر ادغام جریان‌های داوری را استنتاج کرد (Born, 2020: 2775).

اگر در خصوص ادغام جریان‌های داوری با سکوت طرفین مواجه باشیم، دیدگاه بهتر این است که مقاصد طرفین در مورد موضوع ادغام، حسب مورد، بررسی شود. مهم این است که ادغام جریان‌های داوری به‌عنوان یک راه‌حل مفروض، مفاد کنوانسیون نیویورک و اصل حاکمیت اراده را تحت‌الشعاع قرار ندهد (Born, 2020: 2781).

1. United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. The Boeing Company, 998 F.2d 68 (2nd Cir. 1993).
2. New England Energy Inc. v. Keystone Shipping Company, 855 F. 2d 1 (1st Cir. 1988).

۵.۲. وجود موافقت‌نامه داوری واحد

علاوه بر رضای طرفین که از آن به‌عنوان مهم‌ترین شرط تحقق ادغام جریان‌های داوری نام برده می‌شود، وجود موافقت‌نامه داوری واحد بین طرفین، دیگر شرط صدور دستور ادغام است که در بیشتر قواعد داوری به این شرط تصریح شده است. با این حال، استثنایی هم در این زمینه وجود دارد. طبق ماده ۷ قواعد داوری سوئیس، دیوان داوری در فرضی که موافقت‌نامه داوری واحدی بین طرفین منعقد نشده باشد هم دارای صلاحیت صدور دستور ادغام است. بنابراین، طبق مقرره یادشده، دیوان داوری در خصوص تصمیم‌گیری بر ادغام جریان‌های داوری دارای صلاحیت گسترده‌ای است.

در بیشتر قواعد داوری سازمانی، از جمله ماده ۱۰ ICC، یکی از شروطی که برای ادغام جریان‌های داوری در نظر گرفته شده، آن است که کلیه ادعاها و اختلافات مطروح، مشمول موافقت‌نامه داوری واحدی باشد (Born, 2020: 2789). همچنین، طبق مواد ۲۲(۷)(ii) قواعد LCIA (Born, 2020: 2792) و ۲۸،۱ HKIAC (Born, 2020: 2793) و ۱۶(۱) ACICA (Smith, 2018: 187) و ۱۹ قواعد CIETAC (Howes & Stowell, 2016: 16)، درجایی که رضایت خاص طرفین بر ادغام جریان‌های داوری وجود نداشته باشد، داوری‌های مرتبط باز هم ادغام می‌شوند؛ مشروط بر اینکه بر اساس موافقت‌نامه داوری واحدی آغاز شده باشند. طبق ماده ۸ قواعد SIAC (۲۰۱۶)، یکی از شروط لازم برای ادغام جریان‌های داوری، هم قبل و هم بعد از تشکیل دیوان داوری، آن است که تمام ادعاهای مطرح‌شده در داوری مشمول موافقت‌نامه داوری واحد باشند.

۵.۳. موافقت‌نامه‌های داوری متعدد؛ طرفین و رابطه حقوقی یکسان

دیگر شرط صلاحیت دیوان داوری برای صدور دستور ادغام آن است که موافقت‌نامه‌های داوری متعددی بین طرفین منعقد شده باشد، اما طرفین این موافقت‌نامه‌ها یکسان بوده و رابطه حقوقی واحدی بین طرفین نیز وجود داشته باشد. این موضوع در برخی قوانین داوری، از جمله ماده ۱۲۸۱(۳) قانون آیین دادرسی مدنی کالیفرنیا (۲۰۲۰) و ماده ۱۰(a) قانون داوری متحدالشکل (UAA)^۱ مصوب ۲۰۰۰ مورد توجه قرار گرفته است.

در اکثر قواعد داوری سازمانی، از جمله بند «C» ماده ۱۰ قواعد ICC، برای ادغام جریان‌های داوری به این شرط اشاره شده است. بر اساس ماده ۲۲(۷)(ii) قواعد داوری LCIA، یکی از شرایط تحقق ادغام جریان‌های داوری در فرض نبود موافقت‌نامه داوری واحد، این است که موافقت‌نامه‌های داوری متعدد با هم سازگار بوده و ناشی از یک رابطه واحد بین طرفین یکسان باشند، مشروط بر اینکه دیوان داوری برای داوری‌ها هنوز تشکیل نیافته باشد و

1. Uniform Arbitration Act

اگر هم تشکیل شده، چنین دیوانی متشکل از همان داوران باشد (Howes & Stowell, 2016: 12; Smith, 2018: 181). طبق قواعد CIETAC، در موردی که موافقت‌نامه‌های داوری شامل طرف‌های یکسان و همچنین رابطه حقوقی واحد بوده (برای نمونه، شامل قرارداد اصلی و قراردادهای جانبی و فرعی مرتبط باشد) و به عبارتی، این موافقت‌نامه‌های داوری متعدد با هم مطابق و سازگار باشند، ادغام جریان‌های داوری صورت می‌پذیرد (Born, 2020: 16; Howes & Stowell, 2016: 2801). با این حال، در برخی از قواعد داوری در فرض وجود موافقت‌نامه‌های داوری متعدد، به یکسانی رابطه حقوقی ناشی از این موافقت‌نامه‌های داوری اشاره شده، ولی به یکسانی طرفین داوری‌ها اشاره‌ای نشده است. برای نمونه، طبق ماده ۲۸(۱) قواعد HKIAC، یکی از موارد ادغام داوری‌ها آن است که ادعاها مشمول بیش از یک موافقت‌نامه داوری بوده، یک مسئله موضوعی یا حکمی مشترک در همه داوری‌ها وجود داشته باشد، حقوق ناشی از خواسته مورد ادعا یا ناشی از معامله واحد یا مربوط به مجموعه‌ای از معاملات مرتبط باشند و نیز موافقت‌نامه‌های داوری نیز سازگار باشند. البته اختیار HKIAC طبق این ماده برای ادغام دو یا چند داوری شامل موردی هم می‌شود که طرفین در داوری‌های مرتبط یکسان نیستند تا موقعیت هر دو طرف را، هم در قرارداد واحد و هم در قراردادهای چندجانبه، تحت پوشش قرار دهند (Born, 2020: 2793; Smith, 2018: 185). ماده ۹(۱)(C) قواعد داوری ICDR (۲۰۲۱)، ضمن تجویز ادغام داوری‌ها در فرض تعدد موافقت‌نامه‌های داوری، به ضرورت یکسانی یا مرتبط بودن طرفین، وحدت رابطه حقوقی پایه و سازگاری موافقت‌نامه‌های داوری تصریح می‌کند. با بازنگری در این مقرر در نسخه اخیر و افزودن شرط «طرفین مرتبط» صلاحیت داور ادغام برای ادغام جریان‌هایی که طرفین آنها متفاوت اما مرتبط هستند، توسعه یافته است. در ماده ۱۶(۱) ACICA، ماده ۱۵ قواعد SCC (۲۰۱۷) و ماده ۸ قواعد SIAC (۲۰۱۶)، در فرض وجود موافقت‌نامه‌های داوری متعدد به یکسانی رابطه حقوقی ناشی از این موافقت‌نامه‌ها (بدون شرط دانستن یکسانی طرفین داوری‌ها) برای تحقق ادغام جریان‌های داوری اشاره شده است. بر اساس مقرر عام و کلی ماده ۷(۱) قواعد داوری سوئیس، دیوان داوری در فرضی که موافقت‌نامه‌های داوری متعددی بین طرفین منعقد شده باشد و حتی درجایی که این موافقت‌نامه‌های داوری متعدد با هم سازگار نبوده و طرفین داوری و رابطه حقوقی ناشی از این موافقت‌نامه‌های داوری متعدد، یکسان نبوده باشند نیز می‌تواند دستور به ادغام جریان‌های داوری بدهد.

۱. منظور از سازگار بودن موافقت‌نامه‌های داوری متعدد این است که مفاد موافقت‌نامه‌های داوری شامل قوانین، مقر داوری و تعداد داوران یکسان باشد.

۵.۴. احراز مطلوبیت ادغام جریان‌های داوری

به عنوان نمونه‌ای نادر در قانون‌گذاری، ماده ۱۰۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی هلند مقرر می‌کند در داوری‌هایی که در هلند در جریان است، حتی در مواردی که رضایت طرفین بر ادغام جریان‌های داوری وجود نداشته باشد، ممکن است از دادگاه منطقه آمستردام درخواست شود که این جریان داوری را با سایر داوری‌های مرتبطی که در هلند در حال برگزاری است، ادغام نماید. البته در این خصوص دادگاه منطقه‌ای آمستردام بایستی طیف وسیعی از عوامل مختلف، از جمله کارآمدی رسیدگی‌ها، حصول نتایج موافق و صلاحیت دیوان داوری را که به ادغام می‌پردازد، در نظر بگیرد و در صورت احراز مطلوبیت ادغام جریان‌های داوری، اقدام به صدور دستور ادغام نماید (Born, 2020: 2779). در قوانین داوری نیوزیلند و استرالیا هم به این شرط اشاره شده است^۱.

۶. موانع تحقق ادغام جریان‌های داوری

تحقق ادغام جریان‌های داوری، چه در داوری داخلی و چه در داوری بین‌المللی، ممکن است با موانعی مواجه شود. هرچند که راهکارهایی برای رفع برخی از این موانع اتخاذ شده است، ولی هریک از این موانع حائز توجه بوده، می‌تواند مشکلاتی را برای تحقق ادغام جریان‌های داوری ایجاد کند. مهم‌ترین موانع تحقق ادغام جریان‌های داوری در ادامه بررسی می‌شود.

۱. تعیین داوران متعدد

در قراردادهای مرتبط حاوی شرط داوری ممکن است مسئله ادغام داوری‌ها مطرح شود. در داوری‌های مرتبط، طرفین می‌توانند به داور واحد در همه داوری‌ها توافق نمایند که این امر خود زمینه‌ای را برای ادغام داوری‌های متعدد فراهم می‌کند (Hammond, 1989: 100). در مقابل، در برخی موارد هرگونه دستور ادغام جریان‌های داوری به واسطه عوامل خارج از کنترل دیوان‌های داوری با مانع مواجه می‌شود، مانند موردی که دیوان‌های داوری مختلف با حضور داوران متعددی که بر اساس قراردادهای جداگانه و مستقل منصوب شده‌اند، تشکیل شود (Born & Prasad, 2018: 72). در حقیقت، یکی از موارد ابراز عدم رضایت بر ادغام جریان‌های داوری، تعیین داوران متعدد در هریک از داوری‌های مجزا است که چنین امری مستلزم حذف و تعیین مجدد داوران و تشکیل دیوان داوری جدید است که تحقق آن از یک سو مستلزم رضایت همه طرفین داوری است که به ندرت حاصل می‌شود و از سوی دیگر، اکثر قوانین ملی نیز به محاکم و دیوان‌های داوری

1. New South Wales Commercial Arbitration Act, S 27c; South Australia Commercial Arbitration Act, S27c; Victoria commercial Arbitration Act , S27c; New Zealand Arbitration Act, S 6(2), Schedule 2, Art. 2 (in relation to domestic arbitration).

اجازة اقدام قهری را در این مورد نمی دهند، زیرا در چنین شرایطی اصل حاکمیت ارادة طرفین در انتخاب داوران نقض می شود (Born, 2020: 2774). به عبارت دیگر، ادغام جریان‌های داوری در مواردی که داوری‌های مرتبط با حضور داوران متعدد و مختلف تشکیل شده باشد، مشکل ساز خواهد بود. برای نمونه، اگر یکی از داوری‌ها، شامل «الف» و «ب» بوده و داوری مرتبط دیگر شامل «ب» و «ج» باشد و در هریک از این دو داوری مرتبط داوران متعددی تعیین شده باشند، «الف» توانایی شرکت در انتصاب داوران در داوری دوم و «ج» توانایی شرکت در انتصاب داوران در داوری اول را نخواهد داشت که به نوبه خود این امر مانع از ادغام این دو داوری مرتبط خواهد شد. رفع این مانع مستلزم حذف دو دیوان داوری موجود و تشکیل دیوان داوری جدید است که اگر رضایت طرفین بر تشکیل دیوان داوری جدید حاصل نشود، ممکن است در نتیجه ادغام جریان‌های داوری، حقوق یکی از طرفین در انتخاب دیوان داوری نادیده گرفته شود. افزون بر این، هم در کنوانسیون نیویورک و هم در بسیاری از قوانین داوری ملی فرصت برابر طرفین در انتخاب داوران به عنوان یکی از انتظارات اساسی طرفین در موافقت‌نامه داوری محترم شمرده شده است و از همین رو، تحقق ادغام جریان‌های داوری را درجایی که منجر به محرومیت یک طرف از فرصت شرکت در انتخاب دیوان داوری شود، مشکل می‌دانند (Born, 2020: 2777). با اینکه در برخی موارد به دادگاه‌های ملی اختیار داده شده است تا برای ادغام داوری‌ها به حذف دیوان‌های داوری منتخب طرفین و جایگزینی آنها با دیوان داوری جدید منصوب محاکم اقدام نمایند (Born, 2020: 2777)، اکثر محاکم، از جمله دادگاه‌های انگلیس، در صورت عدم رضایت طرفین هیچ اختیاری برای جایگزینی داوران منصوب طرفین با دیوان داوری واحد منتخب خود ندارند (Blackaby et al., 2015: 151). البته برخی از قواعد داوری سازمانی، مانند ماده ۷(۳) قواعد داوری سوئیس، جایگزینی داوران منصوب طرفین با دیوان داوری واحد منتخب سازمان داوری را مورد توجه قرار داده‌اند. به عبارت دیگر، طرفین اغلب با تعیین داوران متفاوت برای هریک از داوری‌های جداگانه، توانایی مؤثری برای جلوگیری از ادغام جریان‌های داوری دارند، مگر اینکه بر قواعد داوری سازمانی خاصی تراضی کرده باشند که بر اساس آن، به‌منظور تشکیل دیوان داوری واحد برای همه داوری‌های در حال انجام، حذف و جایگزینی دیوان‌های داوری مجزا تجویز شده باشد (Born, 2020: 2777). برای نمونه، بر اساس ماده ۲۸(۸) قواعد داوری HKIAC، سازمان داوری صلاحیت دارد تا انتصاب داورانی را که پیش‌تر برای داوری‌های مجزا نصب یا تأیید شده بودند لغو نماید و سپس خود، دیوان داوری جدیدی برای داوری‌های ادغام‌شده تشکیل دهد. به این ترتیب، قواعد داوری یادشده نسبت به بسیاری دیگر از قواعد داوری سازمانی برای ادغام و در نتیجه انتصاب داوران و تشکیل دیوان داوری جدید اختیارات وسیعی اعطا نموده و در صدد رفع این مانع برای تحقق ادغام جریان‌های داوری است (Born, 2020: 2794).

۲.۶. مقرهای داوری متفاوت

یکی از مسائل واجد اهمیت در داوری‌ها، تعیین مقر داوری از سوی طرفین است؛ زیرا در صورت عدم تعیین مقر داوری، ممکن است سرنوشت برخی از مسائل حقوقی از قلمرو ارادهٔ هریک از طرفین خارج شده و منوط به ارادهٔ داوران یا سازمان داوری باشد که این امر می‌تواند مشکلاتی از جمله عدم قابلیت پیش‌بینی دعوا را در پی داشته باشد. در مقابل، اگر طرفین در موافقت‌نامه‌های داوری خود قواعد شکلی متفاوت با مقرهای داوری مختلف تعیین نمایند، مشکلات افزون خواهد شد، از جمله اینکه در این گونه موارد امکان استنتاج حصول رضایت ضمنی بر ادغام جریان‌های داوری اندک است و از طرفی، دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری امکان تجویز ادغام اجباری را در چنین مواردی رد می‌کنند (Born, 2020: 2775). بنابراین، از تعیین مقرهای داوری مختلف در موافقت‌نامه‌های داوری به عنوان یکی از موانع ادغام جریان‌های داوری که خارج از کنترل دیوان‌های داوری است، یاد می‌شود (Whitesell & Silva-Romero, 2003: 7). با این حال، ادغام به معنای واقعی کلمه در داوری‌هایی با مقرهای مختلف بدون نقض توافق طرفین با مشکل همراه خواهد بود (Born, 2020: 2776).

۳.۶. رسیدگی در مرحلهٔ پایانی و شور

ادغام جریان‌های داوری باید در راستای افزایش کارآمدی رسیدگی‌ها بوده، به موقع درخواست شود. درخواست ادغام جریان‌های داوری پس از آنکه دیوان داوری به رسیدگی‌ها خاتمه داده یا در مرحله‌ای از رسیدگی است که به صدور رأی می‌انجامد، بایستی نابهنگام تلقی شده، به منظور اجتناب از تاکتیک‌های تأخیری برای به‌تعویق انداختن پروسهٔ رسیدگی‌ها و صدور رأی رد شود (Piña, 2018: 21). بنابراین، یکی از موانع تحقق ادغام جریان‌های داوری، موردی است که رسیدگی‌های دیوان داوری در مراحل پایانی باشد و درخواست ادغام جریان‌های داوری در این مرحله تقدیم شود.

۷. قانون حاکم بر ادغام جریان‌های داوری

در خصوص قانون حاکم بر ادغام جریان‌های داوری، اگر طرفین به صراحت قانونی را بر این امر حاکم کنند، همان انتخاب ملاک خواهد بود، اما در عمل به ندرت چنین توافقی صورت می‌گیرد. دو دیدگاه کلی در این خصوص وجود دارد که هر دو مبتنی بر استدلال‌های خاصی هستند؛ در فقدان قانون انتخابی، رویکرد نخست قائل به اعمال قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری نسبت به ادغام داوری‌ها است؛ در حالی که طبق رویکرد دوم، قانون مقر داوری بر ادغام حاکم خواهد بود. استدلال دیدگاه نخست این است که مسائل مربوط به ادغام جریان‌های داوری باید به عنوان مسائل ماهوی در نظر گرفته شود و بر اساس قانونی که حاکم بر اعتبار و تفسیر موافقت‌نامه

داوری است، مورد رسیدگی قرار گیرد (Born, 2020: 2765). استدلال دیدگاه دوم بر این پایه است که چون مسائل مربوط به ادغام جریان‌های داورى جزء مسائل شکلی هستند، لذا تحت حاکمیت قانون شکلی قرار می‌گیرند که آن هم اغلب قانون مقرر داورى است (Ibid). البته در اغلب موارد، مشکلی در این خصوص وجود ندارد، زیرا قانونی که طرفین بر موافقت‌نامه داورى خود انتخاب می‌کنند، در مواردی همان قانون مقرر داورى است. اما اگر این دو قانون یکسان نباشند، دیدگاه بهتر این است که قانون حاکم بر موافقت‌نامه داورى طرفین، قانون حاکم بر ادغام نیز باشد و به سؤالات عمده در خصوص رضایت یا عدم رضایت طرفین بر ادغام جریان‌های داورى و تفسیر و اعتبار موافقت‌نامه داورى هم پاسخ دهد (Ibid).

۸. مرجع صالح برای ادغام جریان‌های داورى

حسب موضع اتخاذی در نظام‌های حقوقی مختلف، مرجع صالح برای ادغام جریان‌های داورى ممکن است سازمان‌های داورى، دیوان‌های داورى یا دادگاه‌های ملی باشند (Muchlinski, 2008: 1035). برای نمونه، بر اساس قواعد داورى LCIA و SIAC^۱، در فروض مختلف و حسب شرایط مقرر ممکن است سازمان یا دیوان داورى صلاحیت ادغام داشته باشد، به‌گونه‌ای که تا قبل از تشکیل دیوان داورى، صلاحیت ادغام داورى‌ها بر دوش سازمان داورى است (Smith, 2018: 197). افزون بر این، مطابق برخی قوانین داورى ملی، نظیر قوانین داورى انگلیس، ایرلند و سنگاپور، دیوان داورى در صورتی صلاحیت ادغام داورى‌ها را دارد که طرفین به تراضی چنین اختیاری به دیوان اعطا کرده باشند. در مقابل، برخی دیگر از قوانین ملی نظیر قانون آیین دادرسی مدنی هلند و رویه محاکم امریکا متضمن صلاحیت دادگاه‌های ملی برای ادغام جریان‌های داورى هستند.

دیدگاه غالب در ایالات متحده امریکا در خصوص مرجع صالح بر ادغام جریان‌های داورى، این است که تصمیم‌گیری اولیه در خصوص موضوع ادغام، باید از سوی دیوان داورى یا سازمان‌های داورى صورت پذیرد، هرچند که این امر منوط به بررسی قضایی در مرحله ابطال و به رسمیت شناختن آرا باشد و این یک بحث اساسی است که دیوان داورى صلاحیت نظارت شکلی بر رسیدگی‌های داورى را دارد، زیرا اصل بر عدم مداخله قضایی است. البته در اغلب موارد، دادگاه‌های ملی هم می‌توانند به‌طور مؤثر داورى‌های موردی را ادغام نمایند؛ با این حال، رویکرد مناسب این است که مداخله دادگاه‌های ملی در مواردی تجویز شود که طرفین و دیوان داورى به‌طور کارآمد نتوانند به مسئله ادغام جریان‌های داورى رسیدگی نمایند (Born, 2020: 2783).

1. Art. 22(A)

2. Art. 8

۹. ادغام جریان‌های داوری در نظام حقوقی ایران

در قانون آیین دادرسی مدنی و قانون داوری تجاری بین‌المللی مقررهای راجع به ادغام جریان‌های داوری پیش‌بینی نشده، اما در برخی قواعد داوری سازمانی به این مهم توجه شده است. در بند «پ» ماده ۶ قواعد و آیین‌نامه مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران مقرر شده است که «در صورتی که دادخواست داوری راجع به معامله، قرارداد یا روابط حقوقی‌ای باشد که در مورد آن پیش از زمان تقدیم دادخواست بین همان طرفین، رسیدگی داوری در مرکز داوری شروع شده باشد، به درخواست هریک از طرف‌ها، درخواست داوری جدید با پرونده داوری مقدم توأم می‌شود، به شرط آنکه در داوری مقدم هنوز قرارنامه داوری به امضای طرفین و «داور» نرسیده باشد یا توسط مرکز داوری تأیید نشده باشد و مانع قانونی هم برای ادغام پرونده‌ها وجود نداشته باشد. در صورتی که درخواست داوری جدید پس از امضاء یا تأیید قرارنامه داوری در پرونده مقدم شروع شده باشد، رسیدگی توأم به دو یا چند پرونده منوط به این است که «داور» پرونده مقدم، با توجه به ماهیت ادعاهای موضوع داوری جدید و نیز با توجه به مرحله داوری مقدم و سایر اوضاع و احوال، اجازه توأم نمودن دو پرونده را بدهد». ماده ۱۶ آیین داوری مرکز داوری کانون وکلای مرکز^۱ نیز به نحو مشابهی بیان داشته است که «چنانچه اختلاف موضوع درخواست داوری راجع به رابطه حقوقی باشد که قبلاً اختلاف دیگری در مورد همان رابطه بین همان طرفین مطابق مقررات این آئین‌نامه در مرکز طرح شده است، هیأت امناء مرکز می‌تواند به درخواست هریک از طرفین ادعای مطروحه در درخواست داوری جدید را در داوری سابق ادغام کرده تا به هر دو ادعا توأم نزد مرجع داوری واحدی رسیدگی شود، مشروط بر اینکه در داوری سابق هنوز قرارنامه داوری امضاء نشده و یا هیأت امناء مرکز آنرا تصویب ننموده باشد. در غیر این صورت ادغام ادعاهای جدید در داوری سابق منوط به رعایت مفاد ماده ۵۴ این آئین‌نامه می‌باشد».

دو مقررۀ پیش‌گفته به‌عنوان مهم‌ترین مبانی حقوقی تجویز ادغام داوری‌ها در ایران، شرایط ادغام داوری‌های سازمانی مشمول را با عباراتی مشابه بیان کرده‌اند. نخستین شرط ادغام مطابق این مقررات «وحدت رابطه حقوقی و یکسان بودن طرفین داوری‌ها» است. اگرچه برخلاف اغلب قواعد داوری، در این مقررات تصریحی به وجود موافقت‌نامه‌های داوری متعدد دیده نمی‌شود، اما شرط یکسانی طرفین و وحدت رابطه حقوقی پایه در مواردی مطرح می‌گردد که موافقت‌نامه‌های داوری متعددی وجود داشته باشد که همگی متضمن تراضی بر داوری تحت حاکمیت سازمان داوری واحد باشند. به بیان دیگر، با وجود موافقت‌نامه داوری واحد، به احراز حلقه‌های ارتباطی

۱. بسیاری از قواعد و آیین‌نامه‌های داوری مراکز داوری کانون‌های وکلای دادگستری این مقررۀ را بدون تغییر یا با تغییرات جزئی دربر دارند.

برای ادغام، یعنی وحدت رابطه حقوقی و طرفین داورى، نیازی نیست و این دو شرط عموماً مفروض است.^۱ عدم تصریح به تعدد موافقت‌نامه‌های داورى سبب شده است تا به تبع آن، برخلاف اغلب قواعد داورى سازمانی، مقررات پیش‌گفته دلالتی بر ضرورت سازگار بودن موافقت‌نامه‌های داورى متعدد یا احراز اشتراکات موضوعی و حکمی آنها نداشته باشند. تفسیر موسع اطلاق مقررات یادشده از این حیث، همسو با رویکردهای نوین، نظیر رویکرد ماده ۷(۱) قواعد داورى سوئیس، در تجویز گسترده ادغام داورى‌هاست.

شرط دوم، ضرورت احراز تقدم و تأخر میان دو جریان داورى است. با وجود این، به نظر می‌رسد که ادغام در مواردی نیز ممکن است که دو جریان داورى مرتبط اما مستقل، هم‌زمان آغاز شده باشند و هم‌زمانی آغاز جریان داورى مانع از ادغام نخواهد بود.

سومین شرط برای ادغام طبق مقررات پیش‌گفته، رعایت محدودیت زمانی برای تقدیم درخواست ادغام است که به حکم منطق برای ممانعت از تمسک به ادغام به‌عنوان مانور تأخیری پیش‌بینی شده باشد. به بیان دقیق‌تر، مقررات یادشده برای تجویز ادغام داورى‌ها میان دو مرحله پیش از امضا یا تأیید قرارنامه داورى در داورى مقدم و پس از آن، شرایط متفاوتی پیش‌بینی کرده‌اند. این رویکرد همانند رویه اتخاذی در برخی دیگر از سازمان‌های داورى، نظیر قواعد داورى LCIA است که تشکیل دیوان داورى را مبنای تجویز یا رد درخواست ادغام می‌دانند. بنابراین، پیشرفت بیشتر جریان داورى مقدم و آغاز جریان رسیدگی ماهوی، می‌تواند مانعی در برابر ادغام داورى‌ها باشد. با این حال، هر دو مقررره راهکارهایی برای ادغام داورى‌ها پس از امضا یا تأیید قرارنامه داورى در داورى مقدم ارائه نموده‌اند؛ مطابق بند «پ» ماده ۶ قواعد و آیین‌نامه مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران، ادغام در این مرحله منوط به ارزیابی اوضاع و احوال حاکم و صلاحدید داور پرونده مقدم است، درحالی که ماده ۱۶ آیین داورى مرکز داورى کانون وکلای مرکز ادغام در این مرحله را به رعایت مفاد ماده ۵۴ این آیین‌نامه وابسته نموده است. راهکار مقررره اخیر روشن نیست و دقیقاً مشخص نیست که ماده ۵۴ آیین‌نامه یادشده چه کاربردی می‌تواند در تجویز یا منع ادغام داورى‌ها داشته باشد. شاید این مقررره با تجویز امکان اصلاح و تغییر در برنامه زمان‌بندی به تجویز ضمنی ادغام داورى‌ها از سوی مرجع داورى بعد از امضا یا تأیید قرارنامه داورى اهتمام ورزیده است. به هر روی، موضع اتخاذی در قواعد داورى اتاق بازرگانی به صواب نزدیک‌تر است.

شرط چهارم که تنها در قواعد داورى مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران پیش‌بینی شده، فقدان مانع برای ادغام است. این عبارت مبهم به نظر می‌رسد. قواعد یادشده تشخیص موانع ادغام را

۱. اگرچه در موارد نادری ممکن است در موافقت‌نامه داورى واحد طرفین انواع مختلف اختلافات را به مراجع داورى متفاوت ارجاع دهند یا روابط حقوقی متعدد میان طرفین یکسان مشمول موافقت‌نامه داورى واحدی باشند، اما مبرهن است که شرط یکسان بودن طرفین در تمامی این موارد مسلم است.

حسب مورد به صلاحدید مرجع ادغام (سازمان داوری) وابسته کرده است. اعطای این اندازه آزادی عمل، به‌ویژه در شرایطی که قوانین ما مقررهای در باب ادغام و موانع آن ندارد، ممکن است خود سدی در برابر ادغام باشد، چراکه منافع اقتصادی سازمان داوری (از حیث دریافت حق‌الزحمة داوری) با ادغام جریان‌های داوری در تعارض است.

نکته شایان توجه دیگر در مقایسه دو مقرره پیش‌گفته، مرجع ادغام جریان‌های داوری است. اگرچه ماده ۱۶ قواعد مرکز داوری کانون وکلای مرکز مرجع ادغام را هیئت امناء مرکز تعیین کرده، اما ماده ۶ قواعد مرکز داوری اتاق بازرگانی مرجع ادغام را در مرحله پیش از امضا یا تأیید قرارنامه داوری تعیین نکرده است، ولی در مورد مرحله پس از امضا یا تأیید قرارنامه داوری، داور پرونده مقدم را به‌تصریح مرجع ادغام معرفی می‌کند. با وجود این، به‌نظر می‌رسد در داوری‌های تحت حاکمیت این مرکز نیز در مرحله نخست که هنوز مرجع داوری عملاً وارد رسیدگی ماهوی نشده است، ادغام از سوی مرکز داوری انجام بگیرد.

با این حال، اگرچه در قوانین داوری ایران ادغام جریان‌های داوری پیش‌بینی نشده است، اما به‌نظر می‌رسد به‌عنوان قاعده کلی و بر مبنای اصل حاکمیت اراده، ادغام اختیاری جریان‌های داوری با مانع قانونی مواجه نیست، زیرا طرفین اختلاف می‌توانند با توافق یکدیگر در این خصوص تصمیم‌گیری نمایند. اما ادغام اجباری در داوری‌های موردی داخلی و بین‌المللی با توجه به سکوت قانون‌گذار در قوانین آیین دادرسی مدنی و داوری تجاری بین‌المللی، امکان‌پذیر نبوده و هیچ سازوکاری برای آن در نظر گرفته نشده است. با این حال، در هر دو مقرره که از سوی قواعد داوری مرکز داوری اتاق بازرگانی و مرکز داوری کانون وکلای مرکز، تصریح گردیده است که بدون حصول تراضی طرفین و صرفاً با درخواست یکی از آنها و با احراز سایر شرایط مقرر، ادغام داوری‌ها از جانب مرجع ادغام (اعم از سازمان داوری یا مرجع داوری) ممکن است. بنابراین، در حدود قلمرو قواعد داوری یادشده و سایر قواعد داوری سازمانی که مقررات مشابهی پیش‌بینی شده، ادغام اجباری داوری‌ها نیز میسر است.

در اهمیت ادغام داوری‌ها می‌توان به ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م. اشاره نمود که به موجب آن دعاوی مشمول صلاحیت محاکم که دارای ارتباط کامل باشند در یک دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. این مقرره در واقع به‌منظور جلوگیری از صدور آرای متعارض طراحی شده است تا از بروز مشکلات بعدی جلوگیری نماید و در نتیجه، به یک دادرسی منصفانه، عادلانه، نسبتاً سریع و کم‌هزینه منتج شود که این موارد خود از مصادیق اصول دادرسی محسوب می‌شود و در واقع اجرای ماده ۱۰۳ قانون یادشده مقدمه‌ای برای نیل به دادرسی عادلانه تلقی می‌شود (محسنی، ۱۳۸۵: ۱۲۲). پس با در نظر داشتن اینکه موضوع ادغام داوری‌ها از مصادیق تشریفات دادرسی نیست تا در حوزه داوری فاقد موضوعیت باشد، از این رو، به ملاک واحد جریان ادغام در

رسیدگی‌های داورى نیز ضرورت دارد؛ با این توضیح که در حال حاضر ادغام اجبارى به جهت نبود قانون لازم در مورد داورى‌های مشمول قواعد مقرر در قانون آیین دادرسی مدنى و قانون داورى تجارى بین‌المللى امکان‌پذیر نیست.

ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م. رسیدگی توأم دعاوى را منوط به ارتباط کامل آنها دانسته است.^۱ به اعتقاد برخی (هرمزی، ۱۳۹۷: ۱۹۴)، مفهوم مخالف این مقررۀ دلالت بر آن دارد که در صورت فقدان ارتباط کامل بین دعاوى، رسیدگی باید به صورت مجزا انجام شود، اما با در نظر گرفتن تعبیر خود قانون‌گذار از ارتباط کامل میان دعاوى در ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م. به نظر می‌رسد که عبارت «کامل» بار معنایی چندانی ندارد و هرگاه اتخاذ تصمیم در هریک از دعاوى، مؤثر در دیگری باشد، ارتباط کامل دعاوى تحقق می‌یابد. با این حال در حوزه داورى به نظر می‌رسد که مطلوبیت و کارآمدی رسیدگی توأم جریان‌های داورى باید ملاک ادغام در نظر گرفته شود تا به این طریق بتوان از مزایای ادغام به‌نحوی که در مطالب پیشین بیان شد، بهره‌مند گردید. وانگهی قانون‌گذار در ماده ۳۶۷ ق.آ.د.م. فرانسه در خصوص رسیدگی توأم دعاوى در دادگاه‌ها، اشاره‌ای به ارتباط کامل نکرده و علت موجه رسیدگی توأمان را اجرای صحیح عدالت دانسته است.

در فرض پذیرش ضرورت ادغام، شیوه مناسب آن است که مرجعی به هر دو جریان داورى رسیدگی کند که داورى خود را پیش‌تر آغاز کرده باشد. همان‌گونه که در رسیدگی مشمول ماده ۱۰۳ ق.آ.د.م. دعاوى مرتبط در شعبه‌ای که اولین پرونده به آن ارجاع شده است، رسیدگی می‌شود.^۲ بر اساس ماده ۱۰ قواعد داورى ICC، رسیدگی تلفیقی به جریان‌های داورى مرتبط در مرجع داورى که جریان رسیدگی ابتدا در آن شروع شده است، صورت می‌پذیرد. سیاق عبارتی مقررات ادغام در داورى‌های سازمانی تحت پوشش مرکز داورى اتاق بازرگانی ایران و قانون وکلای مرکز نیز مؤید رسیدگی تلفیقی از سوی مرجع داورى مقدم است.

نتیجه

موضوع ادغام جریان‌های داورى، انواع، شرایط و آثار آن تا پیش از توسعه روابط قراردادی چندجانبه و احساس نیاز به تجمیع جریان‌های داورى متعدد مرتبط، مورد توجه نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی قرار نگرفته بود. پس از تحولات تکاملی در روابط تجارى داخلی و بین‌المللی و بغرنج شدن اختلافات ناشی از آنها، توجه قوای قانون‌گذارى ملی، سازمان‌ها و دیوان‌های داورى به مشکلات ناشی از داورى‌های مرتبط، موازی و گاه متناقض جلب شد و درصدد یافتن راهکارى برای این مسائل، ادغام

۱. برای مطالعه بیشتر در خصوص ارتباط دعاوى، ر.ک. حسن‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۹-۱۲۵؛ احمدی، ۱۳۹۴: ۳۱-۶۶.
۲. نظریات مشورتی شماره ۲۸۳-۹۵-۷ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۵ و شماره ۱۶۹۸-۹۷-۷ مورخ ۱۳۹۸/۳/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بر همین شیوه دلالت دارد.

جریان‌های داوری پا به عرصه وجود نهاد. مطالعات انجام‌گرفته حاکی از آن است که سازمان‌های داوری در پذیرش و توسعه ادغام جریان‌های داوری پیش‌گام هستند و قانون‌گذاران داخلی و اسناد بین‌المللی در این مسیر به دقت و سرعت سازمان‌های داوری عمل نکرده‌اند و تنها برخی از قوانین داوری ملی، از جمله قانون آیین دادرسی مدنی هلند و قانون داوری انگلیس، موضوع ادغام را به تصریح بیان نموده‌اند. با اینکه به تبعیت از مبنای قراردادی داوری، ادغام نیز ماهیت توافقی دارد و رضای طرفین اولین و مهم‌ترین شرط تحقق ادغام است، اما وجود مصالحی برتر اعطای اختیار ادغام قهری به دادگاه‌های ملی، سازمان‌ها و دیوان‌های داوری را توجیه کرده است.

اگرچه ادغام مانع از صدور آرای متناقض و سبب افزایش کارآمدی رسیدگی‌ها و مقرون به صرفه بودن آنها می‌شود، اما همواره نمی‌تواند روش ایدئالی برای غلبه بر آثار رسیدگی‌های موازی به حساب آید. بنابراین، اگر شرایط ادغام فراهم نباشد و صیانت از حقوق طرفین داوری‌ها مستلزم رسیدگی‌های مستقل باشد، باید با ارج نهادن به استقلال داوری‌های متعدد از ادغام آنها اجتناب کرد.

قوانین داوری ایران فاقد حکمی در تجویز یا منع ادغام جریان‌های داوری است، اما با استناد به اصل حاکمیت اراده و با احراز تراضی طرفین، ادغام اختیاری میسر خواهد بود. در مقابل، با سکوت قوانین موضوعه و وضعیت استثنایی ادغام اجباری، صدور حکم قضایی به ادغام داوری‌های موازی در داوری‌های موردی داخلی و بین‌المللی ممکن نیست. با این حال، فقدان مقررات قانونی سبب شده است تا تعیین تکلیف در مسائل راجع به ادغام در موارد تجویز آن نیز با ابهام مواجه باشد که از جمله می‌توان به تعیین مرجع صالح به رسیدگی در داوری تلفیقی اشاره نمود. از همین رو پیشنهاد می‌شود که لوایح جامع داوری و پیش‌نویس‌های جامع قانون داوری ایران که موضوع ادغام را به سکوت برگزار کرده‌اند، پیش از تصویب و نهایی شدن مورد بازنگری مجدد قرار گیرند. بدیهی است وضع مقررات قانونی دقیق مستلزم تدوین ماده یا موادی میسوط است که مبتنی بر مطالعه تطبیقی موضوع در نظام‌های مختلف حقوقی باشد و تا حد امکان از کلی‌گویی و اجمال مفاد در این مواد اجتناب شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی، خلیل (۱۳۹۴). مفهوم و آثار عبارات «ارتباط کامل داشتن»، «منوط بودن»، «مربوط بودن» و «هم منشأ بودن» دعاوی در قانون آیین دادرسی مدنی. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۰، ش ۶۹.
۲. حسن‌زاده، مهدی (۱۳۹۴). اثر ارتباط دعاوی در دادرسی مدنی. مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۷، ش ۱.

۳. محسنی، حسن (۱۳۸۵). مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز این اصول از تشریفات دادرسی. *مجله کانون وکلای*، ش ۳-۱۹۲.
۴. هرمزی، خیرالله (۱۳۹۷). جمع و تفکیک بین دعاوی و مقایسه آن با تجزیه یک دعوا به چند دعوا در حقوق ایران و فرانسه. *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، دوره ۶، ش ۲۳.

ب) انگلیسی

1. Bermann, George A. (2017). Parallel Litigation and Arbitration. in: *George A. Bermann. International Arbitration and Private International Law*, Leiden: Brill.
2. Blackaby, Nigel; Redfern, Alan & Hunter, Martin, (2015). *Redfern and Hunter on International Arbitration*, 6th ed., Oxford: Oxford University Press.
3. Born, Gary B. (2020). *International Commercial Arbitration*, 3rd ed., Netherlands: Kluwer Law International.
4. Born, Gary B. (2001). *International Commercial Arbitration: Commentary and Materials*, Netherlands: Kluwer Law International.
5. Born, Gary & Prasad, Dharshini, (2018). Joinder and Consolidation. *Bahrain Chamber for Dispute Resolution International Arbitration Review*, Vol. 5, No.1.
6. Carbonneau, Thomas E. (2014). *Law and Practice of Arbitration*, 5th ed., New York: Juris.
7. Cohen, Michael Marks (2009). Overcoming Obstacles to Consolidation of International Arbitrations. in: Rovine, Arthur W. (ed.) *Contemporary Issues in International Arbitration and Mediation: The Fordham Papers 2008*, Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.
8. Cremades, Bernardo M. & Madalena, Ignacio (2008). Parallel Proceedings in International Arbitration. *Arbitration International*, Vol. 24, No. 4.
9. Crivellaro, Antonio (2005). Consolidation of Arbitral and Court Proceedings in Investment Disputes. *The Law and Practice of International Courts and Tribunals*, Vol. 4.
10. Fry, Jason; Greenberg, Simon & Mazza, Francesca (2012). *The Secretariat's Guide to ICC Arbitration: A Practical Commentary on the 2012 ICC Rules of Arbitration from the Secretariat of the ICC International Court of Arbitration*, Paris: International Chamber of Commerce (ICC).
11. Geisinger, Elliott & Ducret, Pierre (2013). Chapter 5: The Arbitral Procedure. in: Geisinger, Elliott & Voser, Nathalie (eds.) *International Arbitration in Switzerland: A Handbook for Practitioners*, 2nd ed., Netherlands: Kluwer Law International.
12. Girsberger, Daniel & Voser, Nathalie (2016). *International Arbitration: Comparative and Swiss Perspectives*, 3rd ed., Netherlands: Kluwer Law International.
13. Hammond, R G (1989). Aspects for Arbitration: Joinder, Consolidation and Remedies. *New Zealand Legal Research Foundation Seminar Papers*, Vol. 20, Arbitration law Paper 5.
14. Hanotiau, Bernard (2020). *Complex Arbitrations: Multi-Party, Multi-Contract, Multi-Issue – A Comparative Study*, 2nd ed., Netherlands: Kluwer Law International.
15. Howes, B. Ted & Stowell, Allison M. (2016). The consolidation Dilemma: Is There

- Finally a Pragmatic Solution?. *Dispute Resolution International*, Vol. 10, No.1.
16. Kaufmann-Kohler, Gabrielle; Boisson de Chazournes, Laurence; Bonnin, Victor & Moïse Mbengue, Makane (2006). Consolidation of Proceedings in Investment Arbitration: How Can Multiple Proceedings Arising from the Same or Related Situations Be Handled Efficiently?. Final Report on the Geneva Colloquium held on 22 April 2006, ICSID Review- Foreign Investment Law Journal, Vol. 21, Issue 1.
 17. Lew, Julian David Mathew; Mistelis, Loukas A., et al. (2003). *Comparative International Commercial Arbitration*, Netherlands: Kluwer Law International.
 18. Manjiao, Chi (2008). "The Fading of compulsory consolidation of Arbitration: A Fight between the Principles of Efficiency and Party Autonomy in International Commercial Arbitration", *Fudan Journal of the Humanities & Social Science*, Vol. 4.
 19. Menkel-Meadow, Carrie J.; Porter-Love, Lela; Kupfer-Schneider, Andrea & Moffitt, Michael (2018). *Dispute Resolution: Beyond the Adversarial Model*, 3rd ed., New York: Wolters Kluwer.
 20. Muchlinski, Peter; Ortino, Federico & Schreuer, Christoph (eds) (2008). *The Oxford Handbook of International Investment Law*, Oxford: Oxford University Press.
 21. Pair, Lara Michaela (2011). *Consolidation in International Commercial Arbitration – the ICC and Swiss Rules*, Netherlands: Eleven International Publishing.
 22. Piña, Patricia Izquierdo, "Consolidation of Arbitral Proceedings", (unpublished manuscript), p. 21, available at: <https://camex.com.mx/wp/wp-content/uploads/2018/02/nl35-cont.pdf>
 23. Poudret, Jean-François & Besson Sébastien (2007). *Comparative Law of International Arbitration*, 2nd ed., London: Sweet & Maxwell.
 24. Rowley QC, J William; Bishop, Doak & Kaiser, Gordon E. (2020). *The Guide to Energy Arbitrations*, 4th ed., London: Law Business Research.
 25. Rubino-Sammartano, Mauro (2014). *International Arbitration Law and Practice*, 3rd ed., New York: Juris.
 26. Schwartz, Matthew D. (1990). Multiparty Disputes and Consolidated Arbitrations: An Oxymoron or the Solution to A Continuing Dilemma. *Case Western Reserve Journal of International law*, Vol. 22, Issue 2.
 27. Smith, Gorden (2018). Comparative Analysis of Joinder and Consolidation Provision under Leading Arbitral Rules. *Journal of International Arbitration*, Vol. 35, Issue 2.
 28. Van Den Berg, Albert Jan (1986). Consolidated Arbitrations and the 1958 New York Arbitration Convention. *Arbitration International*, Vol. 2, Issue 4, pp. 367-369.
 29. Van Haersolte-van Hof, Jacomijn J. (1997). Consolidation under the English Arbitration Act 1996: A View from the Netherlands. *Arbitration International*, Vol. 13, Issue4, pp. 427-430.
 30. Whitesell, Anne Marie & Silva-Romero, Eduardo (2003). Multiparty and Multicontract Arbitration; Recent ICC Experience. in: *Complex Arbitrations: Perspectives on Their Procedural Implications*, 14 Special Supplement, ICC Ct. Bulletin.

ج) آرا

1. Judgment of 7 January 1992, BKMI v. Dutco, 10 ASA Bull. 295, 297 (1992) (French Cour de Cassation Civ. 1), Note, Jarrosson.
2. Compania Espanola de Petroleos, S.A. v. Nereus Shipping S.A., 527 F. 2nd 966 (2d Cir. 1975).
3. United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. The Boeing Company, 998 F.2d 68 (2nd Cir. 1993).
4. New England Energy Inc, v. Keystone Shipping Company, 855 F. 2d 1 (1st Cir. 1988).